info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۴۷۹
چهارشنبه ۱۷/ مهر/ ۱۳۹۸
۱۰/ صفر/ ۱۴۴۰
09 / Oct/ 2019

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون گارشناسان، رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۳۸۸-۳۲۵۳۴۳۳۳-۰۲۶ فکس ۳۲۵۵۳۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۸۶۷۳۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۲۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

باشعرای کرج

زبان شعر

غزل به روی لبم عاشقانه می جوشد
به گاه پیری لم از دل جوانه می جوشد

هنوز از لب شیرین دختر شعرم
شراب زندگی جاودانه می جوشد

به باغ شعر، من آن آفتاب را مانم
که از دمش گل ناب زمانه می جوشد

زبان شعر به صافی زلال آینه هاست
که هر چه جوشد از آن صافانه می جوشد

بهشت جان به چه ماند بدون جوهر شعر؟
به دوزخی که ز قعرش زبانه می جوشد

شراب شعر تر «ناظر» است و بزم و طرب
بیا بیا که ز هر سو ترانه می جوشد

ناظر شرفخانه‌ای

خبرچه

ماجراهایی از زندگی سهراب سپهری با صدای بهروز رضوی

ماجراهایی از زندگی سهراب سپهری شاعر نامدار معاصر در برنامه «کتاب‌شب» رادیو تهران با صدای بهروز رضوی روایت می‌شود.

به گزارش پیام آشنا، به مناسبت سالروز تولد سهراب سپهری برنامه «کتاب‌شب» رادیو تهران، داستان زندگی او را براساس منابع گوناگون، در شش قسمت ۲۰ دقیقه‌ای برای شنوندگان خود روایت می‌کند.

بنا بر گفته سردبیر برنامه، این ماجراها براساس کتاب‌هایی همچون اطاق آبی، هنوز در سفر، هشت کتاب، تا کتها حضور و تپش سایه دوست تدوین و تنظیم رادیویی شده است. برنامه کتاب شب، کاری است از گروه اخلاق و زندگی شهروندی رادیوتهران که هر شب (بجز جمعه‌ها) ساعت ۲۳ و ۳۰ دقیقه پخش می‌شود.

ارائه ۷۰۰ طرح در رویداد شهرهای خلاق فرهنگ و هنر

سی و یک استان و دو منطقه آزاد با هفتصد طرح و ایده در شبکه شهرهای خلاق فرهنگ و هنر مشارکت کردند.

به گزارش پیام آشنا، ابراهیم حیدری، دبیر این رویداد فرهنگی و هنری گفت: طرح شبکه شهرهای خلاق و فرهنگ و هنر ایران نخستین‌بار است که اجرا می‌شود و حدود هفتصد طرح در عرصه‌های مختلف فرهنگ در این رویداد شرکت کرده‌اند.

وی افزود: در گروه‌های ده‌گانه هنری آثار و ایده‌ها و طرح‌های متعددی برای رونق فعالیت‌های هنری و گسترش کسب‌وکارها ارائه شده و در بخش هنرهای تجسمی ۱۳۴ طرح، در بخش هنرهای نمایشی ۱۳۲ طرح، در بخش موسیقی ۱۰۹ اثر، در بخش ادبیات ۱۲۲ اثر و در بخش سینما ۲۴ اثر و در زمینه صنعت بسته‌بندی و چاپ هم ۷ اثر به دبیرخانه مرکزی شهرهای خلاق فرهنگ و هنر ارسال شده است.

باهنرمندان

فریدون سوری، کارمند حراست سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان البرز

امروز با حافظ

با دوستان مضایقه در عمر و مال نیست
صد جان فدای یار نصیحت نیوش کن
ساقی که جامت از می صافی تهی مباد
چشم عنایتی به من دردنوش کن

خوانش

جان و دل با اوست
هر جا می‌رود

رهی معیری

اذان ظهر

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۳۰	۰۵:۵۶	۱۲:۰۰	۱۸:۰۳	۱۸:۲۰

برگه

هنگامی که در شادی به روی انسان بسته می شود بلافاصله در دیگری باز می شود اما ما آنقدر به در بسته خیره می شویم که در باز شده را نمی بینیم

هلن کلر

گزارش

برنج ایرانی تقلبی زیر سر تهرانی هاست؟!

اختلاط برنج ایرانی و خارجی موضوعی است که این روزها چالش بیشتری برای مشتریان ایرانی داشته است. مشتریانی که ناگفته‌شان به برنج ایرانی عادت دارد و حالا گستردگی این تقلب صدایشان را درآورده است. با این حال دبیر انجمن برنج معتقد است که این تقلب نه از قطب برنج ایران یعنی شمال که از تهران ریشه می‌گیرد.

به گزارش پیام آشنا، جمیل علیزاده شایق، دبیر انجمن برنج درباره مباحث مطرح‌شده مبنی بر این‌که برنج‌های وارداتی از بندر چابهار به شمال کشور منتقل و در آن‌جا با انواع ایرانی مخلوط می‌شود، گفت: «چنین چیزی صحت ندارد و این شایعات برای تخریب و زیرسوال‌بردن کیفیت برنج‌های شمال مطرح می‌شود.» شایق در این زمینه به شهروند آنلاین می‌گوید: «در شمال به‌مراتب کمتر چنین اتفاقی می‌افتد، زیرا تولید برنج در شمال هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی در ۱۰ سال گذشته بی‌سابقه بوده است. البته ممکن است به ندرت این اتفاق بیفتد اما در تهران و شهرهای بزرگ این اتفاق در حجم گسترده‌ای اتفاق می‌افتد، زیرا در انبارها این اختلاط صورت می‌گیرد و سپس در اختیار مصرف‌کننده قرار می‌گیرد.»

دبیر انجمن برنج در ادامه توضیح می‌دهد: «در رابطه با برنج‌های وارداتی، توزیع این برنج‌ها اعم از تهران و شهرستان‌ها با توجه به افزایش تولید برنج در سال جاری تا آبان‌ماه انجام نمی‌شود. همچنین معاون بازرگانی وزارت صمت در طی صحبت‌هایی که داشتیم، چنین قولی را دادند که فعلا برنج‌های وارداتی توزیع نمی‌شوند، بنابراین برنجی توزیع نمی‌شود تا اختلاطی صورت بگیرد اما در عین حال اگر حتی یک مورد این اختلاط صورت بگیرد، سازمان‌های نظارتی مجبورند این موضوع را بررسی کنند.»

او ادامه می‌دهد: «از سال ۹۲ که برنج‌های آلوده هندی را با برنج‌های ایرانی مخلوط کردند و در کیسه‌هایی با برند ایرانی ارایه دادند و ملت هم آن را خریداری کردند و متوجه آلودگی آن شدند، از همان زمان انجمن برنج نسبت به این موضوع هشدار و تذکر داد که سازمان‌های نظارتی به صورت جدی‌تری به کار خود مشغول باشند که البته سازمان‌های نظارتی به درستی ایفای نقش نمی‌کنند.»

اما چرا کاهش قیمت دلار و البته افزایش تولید برنج ایرانی نتوانست قیمت‌ها را کاهش دهد؟ علیزاده شایق درباره این موضوع توضیح داد: «برنج‌های داخلی از کیفیت خوبی هم برخوردارند اما قیمت تمام‌شده بالایی هم دارند؛ یعنی هزینه تولید برنج ایرانی به دلیل این‌که نتوانستیم به کشاورزها کمک کنیم و در کنار آنها قرار گیریم، بالا رفته؛ ما داشتیم کشت برنج را به صورت مکانیزه پیش می‌بردیم که به خوبی هم پیش می‌رفت اما متاسفانه یکی دوسال است که از تولیدکنندگان ماشین‌آلات داخلی حمایت نمی‌شود همچنین چون قیمت ارز بالا رفته، واردات ماشین‌آلات هم به‌صرفه نیست؛ در نتیجه کشاورزها کمتر می‌توانند از ماشین‌آلات استفاده کنند و دوباره به دوران گذشته بازگشته‌ایم»

او ادامه می‌دهد: «امسال شالیکاران به جای استفاده از ماشین‌آلات از نیروی انسانی استفاده می‌کنند و مانند گذشته خانم‌ها و نیروی جوان به مزرعه‌ها نمی‌روند و تعداد انگشت‌شماری که به این کار مشغولند، قیمت را بالا می‌برند. امسال هزینه تولید برنج بالا بود درحالی که قیمت جهانی برنج‌های صادراتی امسال کاهش داشت. به عبارتی برنج‌هایی که در دنیا صادر می‌شود، چندسالی است که کاهش قیمت دارند؛ بنابراین برنج ارزان وارد می‌شود و چه بهتر که با برنج‌های با کیفیت ایرانی مخلوط شود و با قیمت برنج گران فروخته شود، درصورتی که برنج با برندهای ایرانی فروخته می‌شود برای همین است که برای واردات برنج همه در تلاشند؛ چراکه از نظر مالی مقرون به‌صرفه است.»

دبیر انجمن برنج همچنین توضیح داد: «برنج جزو معدود محصولات کشاورزی است؛ زمانی که برداشت می‌شود، به صورت مستقیم عرضه نمی‌شود، برای همین افراد مجبورند شالیزارها را به کارخانه‌های شالیکوبی ارایه دهند، که تبدیل به برنج شود. به همین جهت کشاورز به جای این‌که یک‌بار به کارخانه ارایه دهد و کارمزد بالایی از آنها بگیرد که البته جایی برای فروش ندارد، متقاعدی که در کوچه‌بنی شرایط آن به راحتی برای کشاورزان فراهم شده است و کشاورزان به صورت اشتراکی مغازه‌ای را باز کرده‌اند و به صورت اشتراکی مستقیم محصولات خود را به فروش می‌رسانند، اما چنین پتانسیلی درکشور ما وجود ندارد که درصورت وجود آن دیگر تقلب و اختلاط برنج صورت نمی‌گرفت.»

تلنگر

ژورنالیسم ادبی به اضافه زد و بند!

مجتبی گلستانی با بیان این‌که تریبون و سایت‌های ادبی دست ژورنالیست‌های نازل ادبیات است، می‌گوید: در فضای ادبی ما، نقد ادبی به آن معنا که می‌شناسیم دیده نمی‌شود. آن‌چه وجود دارد ژورنالیسم ادبی است. اوضاع زمانی خراب می‌شود که گرایش‌های محفلی و فامیلی، دوستی‌ها و زد و بندها هم به آن اضافه می‌شود. ماجرا از این جهت که ادبیات و ژورنالیسم ادبی به نازل‌ترین شکلش نمود پیدا می‌کند، حالت تراژیک می‌یابد زیرا به مخاطب ادبیات، به‌ویژه مخاطب جوان، نشانی نادرست داده می‌شود و او از مسیر اصلی و کارکرد اصیل ادبیات بازمی‌ماند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، این مترجم و منتقد ادبی درباره نقد ادبی و جایگاه آن در ادبیات ایران اظهار کرد: باید بین ژورنالیسم ادبی و مقوله نقد ادبی فاصله و تفاوت بگذاریم، زیرا این دو به شدت با هم فرق دارند؛ ژورنالیسم گاهی در زبان روزمره معنای منفی دارد، مثلا اگر می‌گوییم فلان نوشته ژورنالیستی است یعنی سطحی یا پایین است. حتی اگر ژورنالیسم را در معنای متداول و متعارف آن به کار ببریم که معنای مثبتی هم دارد، نوع مخاطب یا رویکردش به اثر ادبی با رویکردی که نقد ادبی می‌تواند داشته باشد کاملا متفاوت است.

او افزود: ژورنالیسم در بهترین حالت می‌خواهد کتابی را معرفی کند یا بازخوانی اولیه‌ای از آن داشته باشد یا می‌خواهد مسائل ژورنالیستی و یک روز را پیگیری کند، اما کار نقد ادبی متفاوت است و پرسش‌هایی که مطرح می‌کند، پرسش‌های فلسفی‌اند، پرسش‌های مهمی درباره متن، مولف، معنا، خواننده و...

گلستانی سپس گفت: در جهان، در برخی مجلات ادبی، مقوله‌ای به نام مرورنویسی وجود دارد که در حوزه معرفی کتابی، ترویج و نشر کتاب بسیار اهمیت دارد، زیرا مشخص می‌کند در روند و جریان کتاب چه می‌گذرد. مرور کتاب ژانر مهمی است و لازم است انجام شود اما در کشور ما اتفاق بدی افتاده و فاصله مرورنویسی و نقد ادبی برداشته شده است. در آن‌چه به‌نادرست نام نقد بر آن نهاده‌اند، فقط کتاب خوانده می‌شود. انگار که شخصی قصه‌ای را خلاصه می‌کند و بعد چهار نکته درباره کتاب می‌گوید و می‌شود نقد ادبی. در حالی که نقد ادبی یک تأمل فلسفی و اندیشمندانه است. منتقد متن ادبی پرسش‌های مهمی را درباره انسان، خدا و جهان پیگیری می‌کند، روند شکل‌گیری و برساخته شدن متون بررسی می‌شود، تاریخ تحولات ادبی و نسبت آن با تاریخ تحولات اجتماعی و سیاسی فهم می‌شود، درباره مناسبات اجتماعی و فردی تامل می‌شود و اموری از این دست. در حقیقت، در نقد ادبی، متن جایگاهی است برای درک روابط اجتماعی و فردی و خود فرهنگ، زیرا فرهنگ، تاریخ و سنت از طریق متن سخن می‌گویند.

گلستانی سپس اظهار کرد: در فرهنگی که بعد از مشروطه در کشورمان شکل گرفته و رخدادهای سیاسی مهمی که با آن‌ها مواجه بودهایم مانند انقلاب ۵۷ یا اتفاقاتی مانند دوم خرداد ۷۶، یک چیز را به ما ثابت کرده است؛ ما فرهنگ انتقادی نداریم. اگر قرار باشد فضای مدرنیته را تجربه کنیم، باید یک خودانديشی تأملی داشته باشیم؛ خودانديشی تأملی به این معنا که بتوانیم نقد کنیم، نقد بپذیریم و گفت‌وگو کنیم. آن‌چه با مرور ۱۵۰ سال اخیر به ما دست می‌دهد این است که فرهنگ انتقادی در جامعه ما شکل نگرفته است.

او با تأکید بر این‌که نقد ادبی در جامعه ما شکل نگرفته است، خاطرنشان کرد: ما همچنان نقد را به عنوان جدا کردن سره از ناسره و خالص از ناخالص می‌دانیم. این نوع نگرش، رویکرد انتقادی به ما نمی‌دهد و فرهنگی شکل می‌گیرد که امکان گفت‌وگو و نقد خود و واکاوی فضای سیاسی و تاریخی را به ما نمی‌دهد. ما تکچهره‌هایی مانند دکتر رضا براهنی را در ۱۵۰ سال اخیر داشته‌ایم که کارهایی کرده‌اند اما فرهنگ ما آن‌چنان دچار روحیه مبتنی بر شخصیت کاریزماتیک است که زمانی که از منتقد صحبت می‌کنیم، صحبت از کسی است که همچنان حرف اول و آخر را می‌زند. منتقدان ما هم در توهم هستند که من حرف درست را می‌زنم. با مطالعه کارهای کسانی چون دکتر براهنی درمی‌یابیم که ما اصلا فرهنگ گفت‌وگو نداریم و منتقدان ما هیچ‌گاه با هم گفت‌وگو نکرده‌اند. امروز بحث آقای ابادری و رویکردی که او به آقای براهنی داشت، مطرح است. مسئله این است که نه آقای ابادری اهل گفت‌وگوست و نه آقای براهنی اهل گفت‌وگو بوده و رویکرد هر دو همواره رویکردی تحقیرآمیز نسبت به مقوله «دیگری» بوده است.

گلستانی با بیان این‌که مسئله فرهنگ انتقادی و گفت‌وگویی در جامعه ما شکل نگرفته است، گفت: مادامی که تصورمان از نقد و منتقد این است که کسی بیسا شود و حرف اول و آخر را بزند، نسخه بپیچد، سره را از ناسره برای‌مان تشخیص دهد و تا وقتی که در فضای فرهنگی‌مان شخصیت‌هایی مثل آقای براهنی، جلال آل احمد، دکتر علی شریعتی و یوسف ابادری را پرورش می‌دهیم که رویکرد انتقادی به خود ندارند و صدای دیگری را به هیچ وجه به رسمیت نمی‌شناسند، فرهنگ انتقادی و گفت‌وگو شکل نمی‌گیرد. آن‌چه می‌توانم در مرور تاریخ نقد ادبی در ایران بگویم این است که نقد ادبی ما دائم درجا زده و دائم صدای مخالف خود را نادیده گرفته و سرکوب کرده است.

او درباره جلسانی که با عنوان نقد و بررسی کتاب شکل می‌گیرند اظهار کرد: طبیعتا این‌که درباره یک اثر ادبی و ادبیات صحبت کنیم، تأثیر مثبتی دارد و گام رو به جلویی است. تا این‌جا کسی منکر این موضوع نیست. خود من هم جزء کسانی هستم که همیشه به جلسات دعوت می‌شوم و می‌روم در آن‌جا صحبت می‌کنم. اما ما یک مشکل بزرگ داریم: فرهنگ شفاهی. اگر به تاریخ ۱۵۰ ساله اخیر مراجعه کنیم می‌بینیم روشنفکران ما بیشتر سخنرانی کرده‌اند تا این‌که بنویسند. جلال آل احمد شاید از معدود کسانی است که نوشته است. آقای مطهری و آقای شریعتی بیشتر سخنرانی کرده‌اند و عمده مکتوباتی که از آن‌ها داریم سخنرانی‌های این بزرگواران است که البته تأثیرگذار بوده و در نوع خودش قابل تأمل و ستایش‌برانگیز نیز هست.

این منتقد ادبی در ادامه بیان کرد: وقتی فرهنگ مکتوب نداریم، تأمل نهادینه‌شده به معنای خالص کلمه را هم نخواهیم داشت. دلیل آن هم این است که در نوشتار فرصت بازبینی و فکر کردن را پیدا می‌کنیم؛ اما در فرهنگ شفاهی تفکر به معنای نقش اتفاق نمی‌افتد. در نوشتار است که می‌توانیم فضای انتقادی و گفت‌وگو را فراهم کنیم و با متون همدیگر درگیر مکالمه و همدلی شویم. در فرهنگ شفاهی آقای ابادری خیلی راحت می‌تواند بگوید حرفی که زدم برای ۱۰ سال پیش بود و وسط بحثی این را گفتم؛ اما اگر همین آدم می‌نوشت در به کار بردن صفت «لفتکی» حتما درنگ می‌کرد یا حداقل در زمان بازبینی درنگ می‌کرد و به گونه دیگری تفکر می‌کرد و این‌گونه نمی‌نوشت.

او تأکید کرد: به نظرم نوشتن و جلسه ادبی به این شفاهی بودن فرهنگ و افواهی بودن آن دامن می‌زند. فکر نمی‌کنم در آن‌چه تاکنون به زبان می‌آید، تأملی وجود داشته باشد و بعضا هم افراد اسیر هیجاناتی که در یک نشست هست، می‌شوند. اگر فکر کنیم جلسات ادبی فرهنگ نقد را بسط می‌دهند من خواهم گفت نه. آن‌چه نقد ادبی را در ایران بسط می‌دهد نوشتار است و آن‌چه منتقد ادبی کم دارد و نسبت به آن کم‌کاری می‌کند، این است که نمی‌نویسد.

قاب سبز

اشاره: فروغ شکرایی؛ کارشناس ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهدیشهر بود. دختری جوان و با استعداد که دست روزگار فرصت زندگی را از او گرفت. مادر و پدر فروغ بر آن شدند تا یکی از مقالات او را با عنوان "بررسی فرآیند طراحی گروه معماری بیگ"، به عنوان خاطره‌ای از دخترشان در روزنامه‌ها منتشر کنند تا شاید مورد توجه دانشجویان رشته معماری قرار گیرد و برای پیشبرد برنامه های تحقیقاتی و علمی آنها موثر واقع شود. مقاله فوق را در این ستون طی روزهای متوالی خواهید خواند. روزنامه پیام آشنا ضمن تسلیت به خانواده‌ی محترم زنده یاد فروغ شکرایی برای آنان آرزوی سلامتی، خوشبختی و موفقیت دارد.

بررسی فرآیند طراحی گروه معماری بیگ

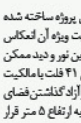

فروغ شکرایی

مجموعه خانه های وی-ام

این ساختمان های مسکونی در سال ۲۰۰۵ با زیربنای ۲۵ هزار مترمربع و در کوینهاگ دنمارک توسط دفتر معماری بیگ و با همکاری JDS ، طراحی و ساخته شده و برنده جایزه افتخاری مبنی وندر روهه در ۲۰۰۷ ، برنده جایزه بهترین ساختمان اسکاندیناوی در ۲۰۰۶ گشته اند. نام این مجموعه خانه های وی-ام است زیرا از بالا به شکل V و M دیده می شوند. این مجموعه اولین پروژه ساخته شده در اورستاد ریج جدید کوپنهاگن است. خصوصیت ویژه آن انعکاس نقطه نظر گروه بلات در چگونگی ایجاد بیشترین نور و دید ممکن برای بیشترین تعداد ساکنین است. کل پروژه شامل ۴۱ فلت با مالکیت اشتراکی و ۱۸۰ پارتمان شخصی می باشد. به منظور آزاد گذاشتن فضای اطراف ساختمان، بنای V شکل روی ستون هایی به ارتفاع ۵ متر قرار گرفته است و محوطه ساختمان به سمت پارکی در قسمت جنوبی باز می شود. این مسئله باعث به وجود آمدن یک محوطه نیمه عمومی نیمه خصوصی برای ساکنین مجموعه شده است. محوطه سازی سیال برای عابرین از مسیر خیابان به زیر ساختمان و حیاط مجموعه به آن حس یکپارچگی میدهد و بیننده و بنا ارتباط واحدی برقرار میکند. اضافه بر آن، در این حیاط محل بازی برای مهد کودک طبقه همکف در ساختمان M و محوطه آموزشی پویای زیر ساختمان V در نظر گرفته شده است. در این پروژه تیپولوژی مسکن واحد لوکوربوزیه تعریفی دوباره یافته و پیشرفت کرده است. راهروهای مرکزی کوتاه هستند و از هر دو انتها نور میگیرند. حجم ساختمان بهینه نور، دید و هوا را در اختیار ساکنین قرار می دهد. همچنین، نمای ساختمان با بیرون زدگی ها و زوایای شکسته شده فضایی را برای برخوردهای غیر رسمی به وجود آورده است (big.۲۰۱۵).

طراحی ظروف چینی

کارخانه سازنده ظروف چینی روزنتال در همکاری با طراحان معماران بیگ و کیلو (لارس لارسن)، مجموعه ظروف پذیرایی "شهرهای بزرگ تاک" را ارائه نموده است. این همکاری معماران با عنوان تاک به ارائه مجموعه‌ای از ظروف پذیرایی با منابع بصوری ارزشمند می پردازد. نقوش گرافیکی تاک بر روی این مجموعه یک کلاسیک، خط آسمان شهرهای مختلف جهان همچون برلین، کپنهاگ لندن، نیویورک و پاریس می باشد که به صورت خطی ساده و آبی رنگ بر روی زمینه ی سفید این ظروف چینی نقش بسته است. در این همکاری، گستره ی وسیعی از افق شهرها در مقیاس کوچکی بر روی این محصولات، به نمایش در آمده است. مشخصه و نماد معماری هر یک از این کلان شهرها، همچون بیگ پین، دروازه ی برلندنبورگ و یا برج ایفل، در این نقوش آمده اند تا بر روی میز پذیرایی دیده شوند و ایجاد بحث و گفت و گو نمایند. در مجموع، دوازده طرح متفاوت بر روی سرویس های غذاخوری این سازنده نقش بسته است که شش مجموعه ی متفاوت دارند و نقوش کار شده بر روی ظروف دیگر همچون فنجان ها یا کاسه ها، خط آسمانی متفاوت را نمایش می دهند.

کارخانه ساعت سازی Audemars Piguet

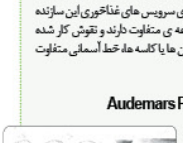

تولید کننده ساعت معروف سوئیسی به نام Audemars Piguet گروه بیگ را به عنوان طراحان برای گسترش مقر خود در نزدیکی شهر Le Chenit انتخاب کردند. طراحی شامل موزه یا فضاهای گالری، کافه و خوش آمد گویی است. طراحی غرفه های فزاینده شیشه ای جداز هم با چشم انداز طبیعی توسط بیگ بازدید کننده را به سفر در تاریخ ۱۳۹ ساله شرکت می برد. فرم فزاینده به عنوان یک پلت به نیاز برای برنامه ریزی گالری ها و کارگاه های آموزشی نامیده می شود و کارگاه های آموزشی مورد نیاز یکدیگر باید متصل باشند که شکل و فرم ماریپیچی ساختمان اجازه می دهد که در مسیر هم قرار بگیرند و از لحاظ فیزیکی در کنار یکدیگر باشند. ساختار سقف از بزرق فولاد پوشیده شده از برنج ساخته شده است. شکل موج دار اجازه ورود نور طبیعی به ساختمان و اجازه استراحت بر روی سقف را می دهد، سقف های سبک وزن توسط دیوارهای شیشه ای که مسیر بازدید کننده از گالری را نیز کنترل می کند، پشتیبانی می شود. علاوه بر موزه و غرفه، ساختمان شامل یک مهمان خانه زیرزمینی یا نمایش Vallee de Joux است. بنا به گفته معمار بیارک اینگلس: "ساعت سازی مانند معماری، هنر و علم گرفتن نیرو از ماده بی جان با عملکرد مناسب است. هنر ساعت سازی القای هنر فلزات، مواد معدنی، حرکت و اندازه گیری است که در قالب زمان در زندگی ما نقش دارد. برخلاف بسیاری از ماشین آلات صنعتی و ساختمانی که ارتباط بین بدن و ذهن قطع شده است ما تلاش کرده ایم فرم و عملکرد هندسه و عملکرد، فضا و ساختار، داخل و خارج در یک همزیستی یکپارچه سازی کنیم. من همیشه معماری بی عیب و نقص سوئیس را تحسین می کنیم و مشکوکم ساختمان های سوئیس توسط ساعت سازان ساخته شده اند. ما در حل حاضر برای اکتشافات شگفت انگیز در تسلط و نوآوری در این پروژه برای بنیانگذاران اصلی خانواده Audemars و Piguet هستیم" (big.۲۰۱۵).

ادامه دارد...

دانشجوی کارشناسی ارشد معماری
دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهدیشهر